



فرآیند هویت‌یابی «تقلیل یافته» نسل زد در شبکه‌های

اجتماعی: مطالعه موردی دختران نوجوان در شهر مشهد^۱

عباس قنبری باغستان^۱، فائزه حسین زاده^۲، فرزاد غلامی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳/۸/۰۲، تاریخ تایید: ۳/۹/۰۲

چکیده

این پژوهش تلاش دارد تا با واکاوی فرآیند تولید-مصرف رسانه‌های نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی، به نقش شبکه‌های اجتماعی در فرآیند هویت‌یابی نوجوانان و توصیف چنین فرآیندی در عصر شبکه‌های بپردازد. برای این منظور از روش کیفی و تکنیک مصاحبه روایی و اپیزودیک استفاده شده است. ۱۲ مصاحبه با دختران نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله کاربر شبکه‌های اجتماعی و در حال تحصیل در مدارس برگزیده مشهد، صورت گرفت و داده‌های حاصل از آن با روش تحلیل مضمون پردازش شده و شبکه مضامین با ۴۰ مضمون پایه، ۶ مضمون سازمان‌دهنده و یک مضمون محوری ترسیم شد.

یافته‌ها، نشان‌دهنده تغییر از «زندگی با شبکه‌های اجتماعی» به «زندگی در شبکه‌های اجتماعی» ست. دختران نوجوان علی‌رغم عاملیت بالا در جستجوگری آنلاین، «کاوش هویتی گسترده و سطحی» دارند. آن‌ها از «قدرت عاملیت در اجرای آنلاین هویت» نیز برخوردارند که منجر به ساخت دلخواهی میدان ارتباطی و خود شده است. قدرت عاملیت و امکان کنترل مخاطبان اجرای هویتی، موجب «نگاه شی‌انگارانه به مخاطب» شده است. محتوا و دسترسی بدون محدودیت زمینه‌ساز «ظهور هنجارهای خود مینا و شبکه‌ای شده» می‌شود. «تلاقی خواسته و یا ناخواسته‌ی دو زمینه‌ی آنلاین و آفلاین» مرز میان این زمینه‌ها را ناپدید کرده و بدین جهت آن‌ها همیشه «اضطراب ناشی از رویت‌پذیری ناخواسته» را تجربه می‌کنند.

روایت‌های دختران نوجوان از کاربری شبکه‌های اجتماعی همه‌ی عناصر یک فرآیند هویت‌یابی را در بر می‌گیرد اما آن‌ها به واسطه‌ی ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی و قدرت عاملیت، هر موقعیت بفرنج یا نامطلوبی را کنترل کرده و یا از آن اجتناب می‌کند. بنابراین فرآیند هویت‌یابی به مرتبه‌ای پایین‌تر تقلیل می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، دختران نوجوان، نسل زد، فرآیند هویت‌یابی، میدان ارتباطی، حیات ارتباطی، نسل اپلیکیشن، خوددیالوژیک .

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه دفاع شده در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد.

۲ دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران ghanbari.abbas@ut.ac.ir

۳ کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران FaezeHoseinzade@ut.ac.ir

۴ استادیار مطالعات ارتباطی گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

نوجوانی به عنوان دوره‌ای در میان کودکی و بزرگسالی، آغاز مواجهه‌ی آگاهانه و انتخاب‌گرایانه‌ی فرد با جهان پیرامونی خود و سامان بخشیدن به هویت شخصی ست. نوجوان در راستای تکوین ابعاد فردی، اجتماعی، جنسیتی هویت خود، اطلاعات و هنجارها را از محیط دریافت می‌کند، به رفتارهایش سامان می‌بخشد و با هویت اخذ شده وارد جامعه می‌شود تا خود را محک بزند. پس از گرفتن بازخورد از محیط نیز به حفظ، توسعه و یا اصلاح ابعاد هویتی خود می‌پردازد. عنصر برجسته در این فرآیند، محیط اجتماعی و زندگی روزمره‌ی جاری در آن است که نقشی مضاعف دارد: نوجوان هم ارزش‌ها، رفتارها و نقش‌ها را از آن می‌آموزد و هم در طی نقش‌آفرینی و تجربه‌ورزی، از آن بازخورد می‌گیرد.

اگر چه خانواده، مدرسه و گروه همسالان از جمله نقش‌پردازان کلیدی در محیط اجتماعی نوجوان هستند اما سرعت تحولات مرتبط با فناوری این محدوده را گشوده و عرصه‌های جدیدی را هم در مرحله‌ی شناخت ارزش‌ها و نگرش‌ها و هم در مرحله‌ی بروز و ارزیابی هویت برای نوجوان امروز فراهم آورده‌است. همین امر موجب شده است تا نوجوان امروز را به عنوان نسل زد متفاوت از نسل پیشین یا هزاره‌ها بدانیم زیرا این نسل از لحظه‌ی تولد در معرض فناوری‌های نوین ارتباطی و وب ۲,۰ بوده است و اساساً دنیای بدون ارتباطات گسترده از طریق شبکه‌های اجتماعی را تجربه نکرده است. او برخلاف والدین و نسل‌های پیشینش، در حالی مرحله‌ی هویت‌یابی را طی می‌کند که هم در زمینه واقعی (حلقه‌ی محدود خانواده، دوستان و مدرسه) و هم در زمینه مجازی (حلقه‌ی نامحدود از آشنایان نزدیک تا غریبه‌های دور)، اطلاعات و هنجارها را کسب و خود را در معرض ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی به دلیل گشودگی بر روی انواع محتواها، فراهم نمودن بستری برای همگان در جهت تولید، نشر و یا مصرف محتوا و امکان تعامل در بستر آن، به عنوان یک محیط اجتماعی جدید و منحصر به فرد برای هویت‌یابی نوجوانان نسل زد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در واقع همانطور که در دنیای واقعی تعاملات روزمره و ادراکات ناشی از آن منجر به ساخت و توسعه‌ی هویت آفلاین می‌شود، آنچه نوجوان در فضای مجازی تولید-مصرف

می‌کند نیز در رابطه‌ای متقابل هم‌سازنده‌ی هویت آنلاین او و هم‌نشأت گرفته از آن است. بنابراین در جهان امروز صحبت از هویت شامل هر دو روی هویت آنلاین و هویت آفلاین می‌شود و نوجوان علاوه بر تلاش برای هویت‌یابی، به مدیریت بروز هویت خود در هر موقعیت و زمینه می‌پردازد.

مطالعات مرتبط با شبکه‌های اجتماعی بخش زیادی از تحقیقات یک دهه اخیر در ایران را در بر می‌گیرد با این وجود اغلب این مطالعات بر روی جوانان و بزرگسالان متمرکز شده و یا به طور خاص به موضوع زنان پرداخته‌اند. در این میان بیشتر مطالعات حوزه نوجوانی تنها به چگونگی و چرایی مصرف شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند این در حالی است که مطالعات متعددی به بررسی تغییرات هویتی جوانان (به خصوص دانشجویان) و عوامل موثر بر آن در شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. بنابراین نیاز به مطالعات هویتی نوجوانان با تمرکز بر نقش شبکه‌های اجتماعی احساس می‌شود.

این پژوهش تلاش دارد تا با واکاوی فرایند تولید-مصرف رسانه‌ای نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی، نقش شبکه‌های اجتماعی در فرآیند هویت‌یابی نوجوانان امروز را ترسیم کند و به توصیف چنین فرآیندی در عصر شبکه‌ای بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

هویت نوجوانان

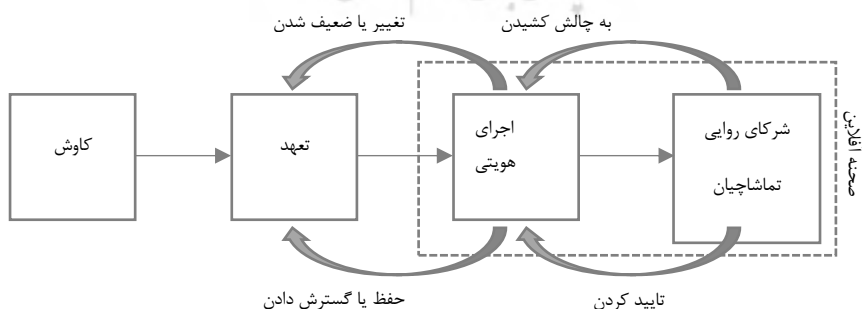
در تعریف هویت و فرآیند هویت‌یابی، دو دیدگاه مختلف وجود دارد: دیدگاه روانشناختی که به فرد و جنبه‌ی ذهنی هویت توجه دارد و دیدگاه جامعه‌شناختی که به عوامل اجتماعی-فرهنگی و جنبه عینی بروز هویت می‌پردازد. در دیدگاه روانشناختی، اریکسون اولین کسی بود که توجه را به مفهوم هویت جلب کرد و نوجوانی را دوره‌ای می‌داند که افراد باید وظیفه ساختن هویت خود را به انجام برسانند. در ادامه مارشیا (۲۰۱۱) با مفهوم منزلت‌های هویت بر مبنای نظریه اریکسون، فرآیند هویت‌یابی را بر مبنای دو مفهوم کاوش و تعهد توضیح داد. کاوش زمانی اتفاق می‌افتد که یک نوجوان به فرآیند انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مربوط به روابط، مذهب، سبک زندگی، یا شغل/حرفه کشیده شود. در مقابل، تعهد پذیرش یک هدف و برنامه

زندگی معین است و مستلزم آن است که فرد مسئولیت انتخاب‌ها و اعمال زندگی خود را بپذیرد (Subrahmanyam & Šmahel, 2011).

در میان دیدگاه‌های جامعه‌شناختی نظریه‌ی کنش متقابل نمادین بیش از دیگر دیدگاه‌ها مسئله هویت و فرآیند شکل‌گیری آن را مورد بحث قرار داده است. در این دیدگاه همانطور که معنا حاصل تعامل عاملان اجتماعی ست، هویت نیز در جریان روابط متقابل با دیگران شکل می‌گیرد. نمایش خود در نظریه گافمن، یک اجرای هویتی ست که در آن فرد نقش‌های خود را با توجه به هنجارهای درک شده از زمینه و به گونه‌ای شخصی‌سازی شده، اجرا می‌کند. در واقع نمایش خود در تعادل میان تمایز فردی و تشابه جمعی در راستای پیروی از هنجارهای زمینه پیش می‌رود. در نظریه‌ی او با استفاده از چنین استعاره‌ای، زندگی اجتماعی‌ای را توصیف می‌کند که در آن هریک از ما نقش‌های متعددی را در صحنه‌های مختلف اجتماعی بازی می‌کنیم و برای هر مخاطبی نسخه‌ی نسبتاً متفاوتی از خود را عرضه می‌کنیم. بنابراین آنچه عاملان اجتماعی بر روی صحنه اجرا می‌کنند بازنمایی ارزش‌های مقبول و پذیرفته شده جامعه است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵).

با در نظر گرفتن دو جنبه ذهنی و عینی هویت می‌توان به مدلی تلفیقی از هویت‌یابی نوجوانان (نمودار شماره ۱) دست یافت:

در این مدل کاوش در سطح و عمق موجب تغییرات در تعهدات و ارزش‌ها گشته (جنبه ذهنی هویت) و سپس به صورت تغییرات در هویت روایی و اجرای هویتی عینیت یافته و از سوی شرکای روایی و تماشاچیان شناسایی می‌گردد (جنبه عینی هویت). چنین فرآیندی مستلزم گفتگوی بین فردی و درون‌نگری به صورت پیوسته است.



نمودار شماره ۱-مدل تلفیقی فرآیند هویت‌یابی بر مبنای بعد ذهنی و عینی هویت

در حالی که فرآیند هویت‌یابی به عنوان یک مدل پایه، نقش زمینه‌ی اجتماعی را برجسته می‌نماید اما با فراگیر شدن رسانه‌های اجتماعی، این زمینه اجتماعی دچار تحولاتی گشته است که می‌تواند فرآیند هویت‌یابی را تحت تاثیر خود قرار دهد.

نوجوانان امروز؛ نسل زد

اگر چه مفاهیم مرتبط با رشد هویت در مورد دوره‌ی خاص نوجوانی ست اما آنچه نوجوانان امروز را از همسالانشان در نسل پیشین متفاوت می‌کند، زندگی و رشد هویتی در عصر دیجیتال است. نوجوانان امروز غرق در اشکال مختلف فناوری‌های دیجیتال مانند رایانه، تلفن همراه هوشمند، اینترنت و به خصوص شبکه‌های اجتماعی هستند. سرعت سرسام‌آور تغییرات تکنولوژی شکاف بزرگی بین آنان و نسل گذشته (هزاره‌ها) ایجاد کرده است (کوثری، ۱۳۸۷ و منتظر قائم و فغانی، ۱۳۸۷). با فراگیر شدن تلفن‌های همراه به عنوان ابزاری چندگانه و همچنین رشد شبکه‌های اجتماعی، نسل زد با نام‌هایی چون بومیان دیجیتال (Prensky, 2011)، نسل آیفون (Twenge, 2017)، نسل اپلیکیشن (Gardner & Davis, 2013) توصیف می‌شود.

استفاده از رسانه‌های اجتماعی در میان نوجوانان امروزی (یا به عبارتی زد کوچک) تقریباً در همه جا وجود دارد: ۹۷ درصد از نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله حداقل از یکی از هفت پلتفرم اصلی آنلاین استفاده می‌کنند و ۴۵ درصد تقریباً همیشه آنلاین هستند که نسبت به چهار سال گذشته تقریباً دو برابر شده است (Pew Research Center, 2018).

در ایران نیز بر اساس پیمایش ملی سال ۱۳۹۸ بیش از ۵۸ درصد نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ سال روزانه از اینترنت استفاده می‌کنند و ۵۹ درصد از کودکان و نوجوانان، اولین بار که از اینترنت استفاده کرده‌اند، کمتر از ۱۰ سال سن داشته‌اند. ۶۸ درصد از پیام‌رسان‌های فوری استفاده می‌کنند و ۶۰ درصد دارای پروفایل شخصی در شبکه‌های اجتماعی هستند (سلگی، ۱۴۰۰: ۳۷ و ۲۱۵). همچنین براساس گزارش مرکز آمار ایران، در یک بازه زمانی سه ساله ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ میزان حضور نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی ۳ تا ۴ برابر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

مقایسه‌ی آماری میزان نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در ایران و جهان را می‌توان با تأخیر نسل زد در ایران توصیف کرد. در واقع به دلیل آنکه عمومیت یافتن اینترنت و تلفن همراه هوشمند در ایران نسبت به اروپا و آمریکا با تأخیر زمانی همراه بوده است، ظهور نسل زد در ایران را نیز می‌توان با تأخیر نسبت به پیش‌تازان جهانی این نسل دانست. بنابراین ویژگی‌هایی که مطالعات جهانی به صورت عمومی در مورد نسل زد بیان می‌کنند باید در زمینه‌ی کشور ایران بازآزمایی شوند.

هویت‌یابی در شبکه‌های اجتماعی

هویت‌یابی در شبکه‌های اجتماعی با عمومیت یافتن اینترنت و ظهور اتاق‌های گفتگوی اولیه مورد توجه قرار گرفت (Subrahmanyam & Michikyan, 2022: 12) فرصت بی‌جسم، ناشناس و بی‌چهره بودن در این دوره، کمکی به نوجوانان برای پیمودن بی‌خطر مسیر هویت‌یابی و آزمون هویت‌های جایگزین تا رسیدن به یک هویت یک‌پارچه توصیف می‌شد (Davis & Weinstein, 2017). این دوره را می‌توان «بازی بی‌دغدغه با هویت» نامید. در دوره دوم، با پیشرفت رسانه‌های اجتماعی نمونه‌های اولیه اتاق‌های گفتگوی چند کاربره جای خود را به ابزارهای ارتباطی آنلاین همچون مای‌اسپیس، فرندستر و فیسبوک دادند. با توجه به گسترده شدن استفاده از این سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، دوستان آفلاین به بخشی مشخص از زندگی آنلاین افراد تبدیل شدند و بنابراین خود‌سایبری دیگر بی‌چهره، بی‌جسم و ناشناس نبود (Davis, 2014) و فرد یک «هویت آنلاین محدود شده» داشت. با معرفی تلفن‌های همراه هوشمند و فراگیری آن در میان مردم، رسانه‌های اجتماعی با رابط کاربری منحصر به فرد به صورت شبکه‌های اجتماعی به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره افراد تبدیل شدند. مطالعات این دوره نیز علاوه بر آنکه به اهمیت اصالت به عنوان خواست مخاطب آنلاین-آفلاین اشاره می‌کند (Gardner & Davis, 2013) دغدغه ویرایش خود آنلاین، رویت‌پذیری آن و فروپاشی زمینه‌های آنلاین و آفلاین را هم مورد توجه قرار می‌دهد (ترکل، ۱۳۹۸ و بوید، ۱۴۰۱). در واقع دوره‌ی سوم، دوره «اضطراب از رویت‌پذیری هویت» است.

روش پژوهش

در این پژوهش از رویکرد کیفی و تکنیک مصاحبه روایی و اپیزودیک استفاده شده است. مصاحبه‌ها با سوال «یک روز معمولی خود -مثلا روز گذشته- را برایم تعریف کن. در این روز آیا سراغ شبکه‌های اجتماعی می‌روی؟» شروع می‌شوند که هم مولد روایت است و هم موقعیت خاصی را در نظر می‌گیرد. با پایان روایت مصاحبه‌شونده، بر اساس چارچوب پیشنهادی فیلیک (۱۳۸۸) با پرسش و پاسخ آن بخش‌هایی از داستان که به اندازه کافی شرح و بسط داده نشده‌اند دوباره مطرح می‌شوند یا با استفاده از سؤال مولد روایت دیگری (مانند در شبکه‌های اجتماعی چه می‌کنی؟) بخش‌های مبهم دنبال می‌شوند. در ادامه با سوالاتی از جنس چگونگی و چرایی سوالات پژوهش پی گرفته می‌شود.

چارچوب نمونه‌ی این پژوهش را دختران نوجوان (۱۵-۱۸ ساله) مدارس برگزیده (غیرانتفاعی و نمونه‌دولتی) در شهر مشهد که کاربر شبکه‌های اجتماعی هستند، تشکیل می‌دهند. در انتخاب نمونه‌ها، خط مشی پژوهش انتخاب موارد معمول و انتخاب موارد قوی اما نه افراطی نیز بوده است. بدین ترتیب مصاحبه‌هایی با ۱۸ نوجوان صورت گرفت که در طول فرآیند پایش داده‌ها و رجوع مجدد به مصاحبه‌شوندگان، به دلیل عدم همکاری برخی از دختران نوجوان، تعدادی از مصاحبه‌ها حذف شده و در نهایت مطالعه با ۱۲ نفر ادامه یافت. در نهایت داده‌های به دست آمده از مصاحبه، با روش تحلیل مضمون دسته‌بندی شد تا در نهایت مضمون فراگیر در پاسخ به پرسش پژوهش به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های نهایی این پژوهش ۴۰ مضمون پایه و ۶ مضمون سازمان‌دهنده را در بر می‌گیرند که از تلفیق و تجمیع یافته‌های اولیه در مصاحبه‌ها به دست آمده است. این شش مضمون سازمان‌دهنده حول مضمون فراگیر «فرآیند هویت‌یابی تقلیل‌یافته» به سوال اصلی این پژوهش پاسخ می‌دهند و تاثیر تولید-مصرف شبکه‌های اجتماعی در فرآیند هویت‌یابی دختران نوجوان را توصیف می‌کنند.

۱.زمینه‌ی اجتماعی نوجوانان در عصر دیجیتال: از زندگی با شبکه‌های اجتماعی به

زندگی در شبکه‌های اجتماعی

همیشه آنلاین بودن و پیوستگی ارتباطی

دختران نوجوان در روایت‌های خود از یک حضور شبانه‌روزی در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند که با سر زدن مداوم در فواصل زمانی کوتاه و یا حضور پیوسته‌ی شبانه اتفاق می‌افتد. در واقع به دلیل فراگیر بودن دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات در زمینه‌ی آنلاین با خانواده، آشنایان و دوستان به زمینه‌ی آنلاین هم تسری می‌یابد. بدین ترتیب آن‌ها پیوستگی ارتباطی‌شان با دیگران را حتی وقتی در کنار هم نیستند هم حفظ می‌کنند. پیوستگی ارتباطی در چنین شرایطی دیگر یک انتخاب نیست بلکه به یک باید اجتماعی تبدیل شده است. سمانه، ۱۶ ساله می‌گوید: «کلا از درب مدرسه میومدیم بیرون تو گوشی بودیم. بیست و چهار ساعته تا فرداش...».

حیات ارتباطی

آنلاین بودن و حضور در شبکه‌های اجتماعی نوجوان را با محتواها و رخدادهایی آشنا می‌کند که یک زمینه‌ی مشترک ذهنی برای ارتباطات با دیگران به خصوص همسالان و دوستان فراهم می‌کند. او بدون حضور در شبکه‌های اجتماعی احساس بیگانگی در جمع می‌کند و زمینه‌ی مشترکی برای گفتگو نمی‌یابد.

فرار از موقعیت آنلاین

دختران نوجوان به کمک گوشی‌های هوشمند خود می‌توانند هر زمان که خواستند خود را از جهان پیرامونشان جدا کنند و در شبکه‌های اجتماعی حاضر شوند. بدین ترتیب برای فرار از موقعیت‌های تنش‌زا و سلطه در زمینه‌ی آنلاین، یک موقعیت دلخواه در زمینه‌ی آنلاین را انتخاب می‌کنند. پریناز ۱۷ ساله می‌گوید: «کلاس جغرافیا واقعا حوصله سر بره و خب اینجور وقتا با دوستم چت می‌کنم که یه مدرسه دیگه‌ست». همچنین، ملیکا ۱۶ ساله می‌گوید: «وقتی حالم بد باشه دوست دارم با دوستای پسر صحت می‌کنم و چون نمی‌تونم اونا رو تنهایی ببینم باهاشون چت می‌کنم».

سبد مخلوط شبکه‌های اجتماعی

دختران نوجوان، همه‌ی آنچه سابقاً از طریق ابزارها و یا رسانه‌های مختلف تامین می‌شد را با استفاده از شبکه‌های مجازی تامین می‌کنند. آن‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی، تعامل فرد با فرد یا تعامل گروهی را تجربه می‌کنند. محتواهای سرگرم‌کننده از کتاب، پادکست و فیلم را جستجو، دریافت و استفاده می‌کنند. آن‌ها حتی از شبکه‌های اجتماعی به عنوان منبعی برای کسب اطلاعات و اخبار بهره می‌برند و به این دلیل خود را به روز می‌دانند. آن‌ها از میان شبکه‌های اجتماعی متعدد، سبدهای مخلوط از شبکه‌های اجتماعی را برای فعالیت خود انتخاب می‌کنند و برای نیازهای مختلف خود با توجه به معیارهای آسانی در دسترسی، احساس امنیت و کنترل حریم شخصی از آن‌ها استفاده می‌کنند. بنابراین محدودیت‌های خارجی در استفاده‌ی آنان از شبکه‌های اجتماعی چندان تاثیرگذار نیست زیرا برای آن‌ها یک شبکه‌ی اجتماعی خاص مهم نیست بلکه مجموعه‌ای از عملکردهای مورد انتظار را در شبکه‌های اجتماعی‌ای که در دسترس دارند، جستجو می‌کنند.

تولد خودِ آنلاین و حس افزودگی

سیر استفاده‌ی دختران نوجوان از شبکه‌های اجتماعی از کودکی تا امروز دستخوش تغییراتی شده است و به تدریج آن‌ها را وادار به رویارویی با چالش‌های استقلال و کسب هویت متکی به خود کرده است. آن‌ها با مالکیت تلفن همراه درجه‌ای از استقلال را درک می‌کنند و خود را آزادانه تر در شبکه‌های اجتماعی بروز می‌دهند و بدین طریق یک خودِ آنلاین را سامان می‌دهند. این خودِ آنلاین به دلیل ظرفیت‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، احساس عاملیت و افزودگی بیشتری دارد چرا که می‌تواند بر محدودیت‌های زمینه آفلاین غلبه کند: نادانسته‌های خود را برطرف کند، ارتباطات و رفتار خود را آنطور که می‌خواهد سامان دهد و به هر محتوایی که می‌خواهد دسترسی داشته باشد. مینو ۱۷ ساله می‌گوید: «اولا که گوشی داشتم اینجوری بود که چون چک می‌شد همش فک می‌کردم یه نفر سومی ممکنه ببینه و بخونه. پس اون کارایی که فک می‌کردم ممکنه راحت نباشم خانواده ام بخونن رو نمی‌کردم. و ترجیح میدادم اگه می‌خواه -رابطه‌ای- صمیمی بشه یا هر چیز دیگه حضوری باشه یا تلفنی صحبت کنم. ولی الان اینجوری نیست دیگه هر کاری بخوام می‌تونم انجام بدم».

خلسه‌ی فراموشی و پایان خلوت

زندگی روزمره‌ی آن‌ها با شبکه‌های اجتماعی عجین شده است و آن‌ها تقریباً همیشه در وضعیت آنلاین هستند و یا امکان دسترسی به آن را دارند. آن‌ها زندگی آنلاین و آفلاین را در ترکیب با هم تجربه می‌کنند و میان این دو در حرکت هستند. این هم‌زمانی زندگی‌ها فرصت‌های خلوتی که پیش از این در زندگی آفلاین وجود داشت را از بین برده است و دختران نوجوان کمتر مجالی برای درون‌نگری و ارتباط با خود پیدا می‌کنند. آن‌ها وقتی از تنهایی صحبت می‌کنند در واقع تنها نیستند بلکه از فرصت نبود دیگران در زندگی آفلاین برای پیوستن به دیگرانی در زندگی آنلاین استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی «زندگی با شبکه‌های اجتماعی» به «زندگی در شبکه‌های اجتماعی» تبدیل شده است.

به همین دلیل شبکه‌های اجتماعی، دیگر صرفاً یک فناوری نیستند، بلکه یک زمینه اجتماعی هستند که با زمینه‌های دیگر مانند خانواده، همسالان و زمینه مدرسه همپوشانی دارد ولی هنجارها و امکانات آن متفاوت است (Sameroff, 2009). زمینه اجتماعی به محیطی گفته می‌شود که افراد یا گروه‌ها در آن عمل می‌کنند یا در تعامل هستند، و هنجارها و ظرفیت‌های آن ممکن است بر شناخت‌ها، احساسات، نگرش‌ها و رفتارها تأثیر بگذارد. همانطور که در روایت دختران نوجوان دیده شد، شبکه‌های اجتماعی را می‌توان از چند جهت یک زمینه‌ی اجتماعی دانست: به عنوان یک ریز سیستم، امکان تعامل مستقیم بین کاربران را فراهم کرده و حتی آنها را تحریک به داشتن ارتباط می‌کند. به عنوان یک میان سیستم، امکان تعامل با سایر آشنایان در زمینه‌ی آفلاین مانند خانواده و دوستان را نیز فراهم می‌کند و با آن‌ها همپوشانی دارد (Valkenburg, 2022). در قالب یک کلان سیستم که فرهنگ همیشه آنلاین بودن و هنجارهای ارتباطی مبتنی بر فضای آنلاین و یا خرده فرهنگ‌های طرفداری را در خود دارد.

۲. تجربه هویتی در زمینه‌ی آنلاین؛ گسترده اما سطحی

آزادی محتوا و عاملیت در کاوش

روایت‌های دختران نوجوان همچنین به فراهم بودن زمینه‌ی جستجوگری در شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. آن‌ها در دو سطح به این موضوع پرداختند: محتوای بدون محدودیت

(که ناظر بر تولیدکنندگی همه‌ی کاربران در گستره جهان است) و دسترسی بدون محدودیت (که به مصرف‌کنندگی خودشان اشاره دارد). در واقع شبکه‌های اجتماعی در هر دو سطح محدودیت‌های زمینه‌ی آفلاین را کنار زده و در نتیجه موجب عاملیت یافتن دختران نوجوان در کاوش می‌شود. چنین عاملیتی به دختران نوجوان این امکان را می‌دهد تا فارغ از توصیه‌ی دیگران (به خصوص خانواده) خود به تجربه‌ی موقعیت‌ها، هنجارها و ارزش‌های مختلف بپردازد. با این وجود روایت دختران نوجوان در ارزش‌گذاری آزادی محتوا و دسترسی با تردید آمیخته بود به گونه‌ای که رعایت یک حدودِ خودگزين و نه تحمیلی را در استفاده از چنین فضایی لازم می‌دانستند.

جهت‌دهی به خود ایده‌آل

کاوش دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی ممکن است به صورت آگاهانه و در راستای دنبال کردن علایق سرکوب‌شده‌ی خود در زندگی آفلاین باشد و به پرورش فانتزی یک خود ایده‌آل کمک کند. همچنین آن‌ها در طی استفاده‌ی عادی از شبکه‌های اجتماعی و با تماشای زندگی خود-بازنمایی‌شده‌ی دیگران، می‌توانند به شناختی فراتر از زندگی آفلاین خود دست یابند و به خود ایده‌آل‌شان بر مبنای چنین شناختی جهت بدهند. منا ۱۸ ساله می‌گوید: «من به روانشناس می‌شناختم اونجا که منو به روانشناسی علاقه‌مند کرد. انگار با به سری علاقه‌مندی‌ها آشنا میشی که قبلا بهش فکر نکرده بودی».

هم-سازی تجربه

دختران نوجوان با در هم آمیختن دو ظرفیت شبکه‌های اجتماعی در کاوش و ارتباط، دوستان خود را در جستجوگری و تجربه‌ی خود سهیم می‌کنند. آن‌ها به کمک شبکه‌های اجتماعی با دوستانشان یک پیوستگی ارتباطی دارند که امکان به اشتراک‌گذاری احساسات، چالش‌ها و تجربه‌ها را در لحظه‌ی وقوع فراهم می‌کند. بدین ترتیب نوجوانان تجربه‌ی خود را با دوستانشان به صورت مشترک می‌سازند. این هم-سازی تجربه به صورت دو طرفه برای نوجوانان رقم می‌خورد: از طرفی آن‌ها با شریک کردن دوستانشان در تجربه‌ورزی خود از حمایت‌ها و تاییدهای آن‌ها بهره‌مند می‌شوند و از طرفی دیگر با شریک شدن در تجربه‌ورزی دوستانشان می‌توانند بدون تحمل دردسرهای یک تجربه در آن دخیل و یا اثرگذار باشند.

نگین ۱۶ ساله می‌گوید: «یکی از دوستانم که تازه افتاده بود توی فاز چت کردن با پسر با لب‌تاب داشت چت می‌کرد منم با گوشی و با همون اکانت یه جاهایی می‌ومدم و پیام میدادم یعنی طرف فکر می‌کرد داره با یه نفر حرف می‌زنه ولی دو نفر جوابش رو میدادن!». اگر چه ارتباط با همسالان در طول دوره نوجوانی و در راستای کسب استقلال و جدایی از والدین افزایش می‌یابد (Damour, 2016: 56) و این مورد در زندگی آفلاین هم صادق است اما شبکه‌های اجتماعی چنین ارتباطی را به صورت در لحظه و همیشگی ممکن ساخته‌اند. بنابراین نوجوانان نقش خود در تجربه‌ورزی را تقلیل می‌دهند و آن را وابسته به حضور دیگران و گرفتن اعتبار از آن‌ها می‌کنند. شری ترکل به گونه‌ای مشابه در توصیف این موقعیت از عنوان «خود مشارکتی» استفاده می‌کند (ترکل، ۱۳۹۸: ۲۸۳).

مصرف تجربه شبکه‌ای شده

روایت دختران نوجوان همچنین گونه‌ی دیگری از جستجوگری را در بر می‌گرفت. همانطور که پیش از این گفته شد، استفاده‌ی نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی و گشت‌وگذار آنان در میان خود-بازنمایی‌های دیگران به یک عادت برای آنان تبدیل شده است. این استفاده‌ی عادت‌ی را نمی‌توان به سادگی مصرف محتوای موجود در بستر شبکه‌های اجتماعی دانست چرا که دختران نوجوان این خود-بازنمایی‌ها را همراه با واکنش دیگران به آن در قالب لایک، کامنت و باز انتشار درک می‌کنند و با مصرف همزمان محتوا و محیط در واقع تجربه‌ی شبکه‌ای شده‌ی دیگران را مصرف می‌کنند. همانطور که در زمینه‌ی آفلاین، نوجوان در طی فرآیند جامعه‌پذیری با کاوش و تماشای آنچه در پیرامونش می‌گذرد نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌های مطلوب را می‌شناسد، مصرف تجربه‌ی شبکه‌ای شده‌ی دیگران نیز او را به شناختی دیگر می‌رساند. آن‌ها در روایت‌هایشان خود-بازنمایی‌های آنلاین دیگران را هم عرض با زندگی آفلاین توصیف می‌کردند و تنها نمونه‌های اغراق‌آمیزی چون بلاگرها را متفاوت می‌دانستند.

فشرده‌گی تجربه

دختران نوجوان به گونه‌ای از گستردگی محتوا و فرصت‌های ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی یاد می‌کنند که تکثر انتخاب‌ها و کنارگذاشتن‌ها در روایت‌هایشان مشهود است. آن‌ها به سرعت می‌توانند چیزی که می‌خواهند را به دست بیاورند اما همواره به دلیل آنکه چیزهای

بیشتری ممکن است وجود داشته باشد آن را کنار گذاشته و حتی بدون تجربه‌ی کامل آن، گرفتن بازخورد و یا خودارزیابی سراغ گزینه بعدی می‌روند. ونوس ۱۶ ساله می‌گوید: «مثلا دختره میاد بهم میگه سلام، این چه عکسیه که گذاشتی یه عکس بهتر بذار! منم چتش رو می‌بندم خوشم نیامد. سریع تو ردی! پسرش... هنوز هیچی نگفتم میگه سلام عزیزم... اینم ردا!». همچنین سپیده ۱۷ ساله می‌گوید: «مثلا یه روز میرم توی فاز آشپزی همه‌ی اکسپلورم همین میشه. یه وقتیایی هم فازم میکاپه، اکسپلورم پر میکاپ آرتیسته». گزینه‌های بسیاری که شبکه‌های اجتماعی در اختیار دختران نوجوان می‌گذارند و بار بیش از حد اطلاعات در این شبکه‌ها منجر به نوعی خستگی شده است که در ادامه می‌تواند منابع شناختی لازم برای هضم اطلاعات و ادغام آن را در یک حس منسجم درونی کاهش دهد (Bright et al., 2015). همچنین به عنوان یک اثر پسینی ممکن است منجر به صرف زمان کمتر برای فعالیت‌های همراه با تفکر و خودنگری مانند کاوش بازتابی شده و در عوض کژکارکردی چون کاوش نشخوارکننده (کاوش گسترده که منجر به اضطراب و امتناع از تعهد می‌شود) را در پی داشته باشد (Valkenburg, 2022).

۳. کلید کنترل در دست نوجوانان: قدرت عاملیت در اجرای آنلاین هویت

ساخت دلبخواهی میدان ارتباطی

روایت‌های دختران نوجوان عاملیت آنان در ارتباط و اجرای هویتی را نیز نشان می‌دهد. آن‌ها میدان ارتباطی آنلاین خود را آنطور که می‌خواهند می‌سازند و بدین ترتیب ارتباطات ناخوشایند در زمینه‌ی آفلاین را در زیست آنلاین خود نادیده گرفته و یا آن را مدیریت می‌کنند. مینو ۱۷ ساله می‌گوید: «اونایی که درخواست میدان از فامیل بستگی داره کی باشه. اگه بخواد قضاوتت کنه خب اکسپتتش نمی‌کنم».

حیاط خلوت ارتباطی

آن‌ها تلاشی آگاهانه و مستمر در راستای مدیریت رویت‌پذیری خود دارند. به ویژه برای سامان‌دهی ارتباطات خود و کنترل همپوشانی زمینه‌ی آنلاین و آفلاین، با به کارگیری ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی همچون مقیاس‌پذیری و مدیریت نشانه‌ها یک حیاط خلوت

ارتباطی برای خود خلق می‌کنند. غزال ۱۶ ساله می‌گوید: «میشه چندتا پیچ درست کرد و با هر کدومشون یه سری کارا کرد. مثلا یه پیچ داشت که خانواده اونو فالو کنن و یه پیچ خصوصی‌تر داشت برای کسانی که باهاشون صمیمی‌تری. من شاید ده تا پیچ داشته باشم».

ساخت دلخواهی خود

آن‌ها همچنین آنطور که می‌خواهند خود را در شبکه‌های اجتماعی نمایان می‌کنند. ساخت دلخواهی خود غالباً یک عمل ویرایشی بر روی خود آفلاین برای برطرف کردن نواقصی است که نوجوان می‌پندارد دارد. امکان ویرایش خود برای دختران نوجوان از چنان اهمیتی برخوردار است که آن‌ها ارتباط آنلاین را به ارتباطات بداهه‌ی حضوری و تلفنی ترجیح می‌دهند. سمانه ۱۶ ساله می‌گوید: «تو حضوری نمیشه به این فکر کنی که اینو بگم یا نگم.. حرف درمیاد... تا حالا صد دفعه با یکی از دوستانم سر همین قهر کردیم. اما توی مجازی اگه حرفی دربیاد بنویسی می‌تونی پاک کنی. که این اختلاف‌ها پیش نیاد اما توی حضوری همیشه کاری کرد». همچنین ساخت دلخواهی خود ممکن است از ویرایش خود آفلاین فاصله گرفته و به ایده‌آل‌سازی خود نزدیک شود. از طرفی دیگر نوجوانان، خود را متناسب با موقعیتی که در آن قرار دارند بروز می‌دهند و بدین ترتیب یک خودِ موقعیتی می‌سازند. خودِ موقعیتی آن‌ها به فراخور موقعیت ممکن است ناشناس، صمیمی، محجوب و ... باشد. مشابه با خودِ موقعیتی در فضای آنلاین، مطالعات گذشته به خودِ زمینه‌محور و یا خودِ دیالوژیک در یک زمینه‌ی آفلاین اشاره کرده‌اند. خودِ زمینه‌محور بدین معناست که زمینه‌ی اجرا، خود را هدایت می‌کند به عنوان مثال نوجوانان ممکن است در خانه و زمینه‌ی خانوادگی خود بسیار متفاوت از نحوه رفتارشان با همسالان خود عمل کنند. با این حال هیچکدام از این اجراها غیراصیل نیستند بلکه آنها فقط توسط زمینه اجتماعی تعیین می‌شوند (Walsh, 2018). در مفهوم خودِ دیالوژیک، «من» با توجه به زمان و موقعیت از «موقعیتی» به «موقعیت دیگر» حرکت می‌کند. هر «من-موقعیت» فرصتی برای بیان داستان از دیدگاه خود دارد (Qin & Lowe, 2021). هر چند راه‌یابی در میان زمینه‌های اجتماعی متفاوت جدید نیست، اما فناوری با ایجاد این تاثیر که آن‌ها همزمان در فضاهای مختلف حضور دارند، حرکت سریع بین تشکیلات اجتماعی متفاوت را برای جوانان فراهم کرده‌است. آنچه آشکار می‌شود، رقص

پیچیده‌ای ست، چون نوجوانان به سرعت و غالباً به صورت نامشخص بین زمینه‌های اجتماعی مختلف حرکت می‌کنند (بوید، ۱۴۰۱: ۵۹).

خود-نمایان‌سازی دختران نوجوان در شبکه‌های اجتماعی بیش از آنکه جهت‌گیری درونی داشته باشد تلاشی ست برای جلب رضایت مخاطب. به همین دلیل می‌توان آن را به تعبیر گافمن (۱۳۸۸) یک اجرا و نمایشی از خود دانست. استفاده از عنوان نمایش در زمینه‌ی آنلاین دیگر یک اصطلاح استعاری نیست بلکه ابزارهای ویرایش و فیلتر آن را به یک واقعیت در حال وقوع تبدیل ساخته‌اند. روایت‌های نوجوانان به روشنی روش‌هایی که گافمن مدیریت تاثیر روی مخاطب می‌نامید، را از طریق ساخت دلبخواهی خود نشان می‌دهند.

شی‌انگاری مخاطب (کنترل مخاطب)

روایت‌های دختران نوجوان علاوه بر عاملیت آن‌ها در کنترل مخاطب، در مرتبه‌ای بالاتر کنترل واکنش مخاطب را نیز نمایان می‌کند. آن‌ها به تدریج و با توجه به تجربه‌شان از زیست آنلاین و همچنین با آشنایی بیشتر از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی تصمیم می‌گیرند که برای چه اجرایی و از چه کسانی بازخورد دریافت کنند. به همین ترتیب آن‌ها امکان بازخورد مستقیم و روشن را از دیگر مخاطبان نشان سلب می‌کنند. ونوس ۱۷ ساله می‌گوید: «اغلب فامیل‌هامونو بلاک کردم خیلی سرک می‌کشن توی زندگی‌م. ریپلای می‌کنن و نظر می‌دن. منم بلاک می‌کنم. کامنتای پست‌هام هم می‌بندم و ریپلای‌ها هم برای آدم‌های خاص باز می‌ذارم». آن‌ها با عاملیت در شبکه‌های اجتماعی، نگاهی شی‌انگارانه به مخاطب دارند و کارکرد مد نظرشان را از مخاطب طلب می‌کنند: تاییدکنندگی، سرگرم‌کنندگی و فاقد قضاوت بودن و البته مفید بودن. بنابراین آن‌ها با محدود کردن مخاطب واقعی، بر مبنای آنچه از مخاطب خیالی در زمینه آنلاین درک کرده‌اند به اجرای هویتی و ساخت خود آنلاین می‌پردازند.

اضطراب اجرای عمومی

علی‌رغم عاملیتی که شبکه‌های اجتماعی برای کنترل و مدیریت به دختران نوجوان می‌دهد، اجرای عمومی هویت آن‌ها را مضطرب می‌کند و آن‌ها بیشتر در میدان‌های کنترل شده و یا خصوصی همچون گروه‌های دوستانه و چت‌های دو نفره به اجرای هویتی می‌پردازند. در یک اجرای عمومی آن‌ها توأمان اضطراب ایده‌آلیستی و اضطراب رویت‌پذیری را تجربه می‌کنند: از

طرفی آن‌ها می‌ترسند تا اجرای‌شان به اندازه‌ی کافی خوب نباشد و از طرفی دیگر مضطربند که اجرای آن‌ها از طرف آشنایان، اصیل و واقعی ارزیابی نشود. بر مبنای نظریه گافمن تنش اصلی در فرآیند هویت‌سازی تنش بین یک تصویر ایده آل و یک اجرای اصیل است چرا که راستی‌آزمایی موفقیت‌آمیز هویت متکی بر پذیرش اجرای هویتی از سوی دیگران است. اصالت در اینجا به معنای اجرای ایده آل به شیوه ای «به ظاهر طبیعی» است. یا به عبارتی دیگر «درگیر شدن در کار هویتی، در حالی که زحمت انجام آن پنهان می‌شود» است. این جنبه طبیعی اجراست که به آن احساس اصالت می‌دهد (Davis, 2014: 6). دختران نوجوان اغلب از برقراری تعادل میان یک اجرای ایده‌آل و اصیل در میدان ارتباطی عمومی طفره می‌روند و با کنترل میدان و مخاطب و یا با گنگ و نامفهوم کردن اجرای هویتی از واکنش مخاطب عمومی اجتناب می‌کنند.

۴. شبکه‌های اجتماعی و بازاندیشی در هنجارها: ظهور هنجارهای خودمبنا و شبکه‌ای شده

رویارویی با هنجارهای آفلاین متنوع

محتوای بدون محدودیت و دسترسی بدون محدودیت موجب آشنایی نوجوان با افراد، گروه‌ها و جوامعی می‌شود که از نظر هنجارهای سبک زندگی با او یکسان نیستند. پربناز ۱۷ ساله می‌گوید: «میدونین توی مدرسه همه شبیه همین ولی فضای شبکه‌های اجتماعی فرق داره دیگه. البته شاید زندگی شخصیش همین باشه و مدرسه متفاوتشون کرده. بعضی‌ها هم که کلا شبکه‌های اجتماعیشون متفاوت و شاید متضاد کلا متضاده». دختران نوجوان در روایت‌های خود از یک سو این تفاوت هنجاری را ناشی از تعدد سبک‌های زندگی در زمینه‌ی آفلاین و در نتیجه خود-بازنمایی آن در زمینه آفلاین می‌دانند و از سویی دیگر اقتضات شبکه‌های اجتماعی را دلیل تفاوت هنجاری دو زمینه‌ی آنلاین و آفلاین می‌دانند.

ظهور هنجارهای شبکه‌ای

آن‌ها در میان روایت‌های خود ضمن اشاره به تفاوت‌های دو زمینه‌ی آنلاین و آفلاین زندگی، به تفاوت هنجاری این دو اشاره می‌کردند. سارا ۱۷ ساله می‌گوید: «کلا به نظرم فضولی حقیقی و

مجازی با هم فرق دارد. مجازی راحت‌تره یه جورایی شاید کمتر اشکال داشته باشه. چون حقیقی طرف واقعیه دیگه توی مجازی شاید یه چیز غیر واقعی از خودش گذاشته باشه!».

نشانه‌های فرد در زمینه‌ی آنلاین نسبت به ارتباط چهره به چهره در زمینه‌ی آفلاین بسیار ویرایش‌شده و تقلیل یافته است. همچنین نشانه‌های مکمل همچون نگاه، حرکات و زبان بدن وجود ندارد. به همین دلیل در توصیف افراد در زمینه‌ی آنلاین از عنوان کاربران بدون بدن استفاده شده است (Subrahmanyam & Šmahel, 2011: 13). در چنین شرایطی هنجارهای آفلاین نیز به مرتبه‌ای پایین‌تر فروکاسته می‌شوند و دچار تعدیل و یا تعلیق می‌گردند. دختران نوجوان به دلیل داشتن عاملیت در زمینه‌ی آنلاین، خود تصمیم می‌گیرند که به چه هنجارهایی و در چه سطحی پایبند بمانند. در نتیجه آن‌ها به هنجارهایی خودمبنا دست می‌یابند.

همچنین ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی همچون مدیریت نشانه‌ها، ویرایش نشانه‌ها و فراهم کردن صحنه‌ای عمومی برای اجرا و دیده شدن موجب ظهور هنجارهای نمایشی شده است. نوجوانان در روایت‌های خود به رعایت چنین هنجارهایی هم در اجرای خود و هم در اجرای دیگران اشاره کردند. پریناز ۱۷ ساله می‌گوید: «وقتی می‌خوای یه عکس از تولدت رو بذاری استوری خب برات مهمه که همه چیزش خوب باشه، مامانت توی عکس خوب افتاده باشه، لباس خوب باشه و اینجور چیزا». همچنین سارا ۱۷ ساله می‌گوید: «اگه یه چیزی خیلی خاص باشه لایکش می‌کنم. یکی یه چالش خوبی بذاره. عکسای خیلی خوشگلی از خودش بذاره». گاردنر و داویس (۲۰۱۳) در کتاب خود با عنوان «نسل اپلیکیشن» به گونه‌ای مشابه، از اصطلاح خود بسته‌بندی شده برای توصیف هنجار نمایشی استفاده کرده‌اند: شبکه‌های اجتماعی با ساماندهی ظرفیت‌های خود حول نمایه‌های فردی کاربران بر «نمایش خود» تاکید دارند. عناصر استاندارد یک نمایه در اغلب شبکه‌های اجتماعی - لیست دوستان، عکس نمایه، فهرست سلاقیق و فعالیت‌های شخصی - برای بسته بندی خود برای مصرف عمومی استفاده می‌شود (Gardner & Davis, 2013: 71). در واقع هنجار نمایشی به خود-نمایان‌سازی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی یک جهت‌گیری بیرونی قوی می‌دهند. البته هنجار نمایشی در شبکه‌های اجتماعی همچون سایر هنجارها در زمینه‌ی آفلاین یک ساخت

اجتماعی ست و در تعامل با ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی و نیاز نوجوان به کسب محبوبیت در جمع، پذیرفته شدن و دیده شدن (Ehrenreich, 2022: 86) ساخته می‌شود و به عبارتی دیگر به طور پیوسته تولید و بازتولید می‌گردد.

تقابل هنجاری و راهبردهای کثرت‌پذیری و اجتناب

آنجا که روایت دختران نوجوان به تفاوت‌های هنجاری درک شده می‌رسد، آنان غالباً از دو راهبرد کثرت‌پذیری و اجتناب با توجه به زمینه‌ای که در آن هستند و میزان عاملیتی که دارند، استفاده می‌کنند. کثرت‌پذیری وابسته به شناخت مجازی‌ست و هنگامی اتفاق می‌افتد که نوجوان حدی از هنجارهای خودمبنایش را تحقق یافته می‌بیند و سایر رفتارها و هنجارهای متفاوت (یا متقابل) را به دلایلی چون علاقه‌ی شخصی و یا نداشتن عاملیت برای اجتناب، نادیده می‌گیرد. از طرفی دیگر آنجا که تقابل آشکار با هنجارهای خودمبنا اتفاق بیفتد و همچنین عاملیت لازم را داشته باشد، از افراد و ارتباطات اجتناب می‌کند. بنابراین تکثرپذیری و اجتناب را می‌توان دو روی یک سکه دانست که برای کنترل‌پذیر کردن روابط خود از آن‌ها بهره می‌برد.

۵. فروپاشی مرزها: التقاط زمینه آنلاین و آفلاین

اضطراب رویت‌پذیری خود آنلاین

دختران نوجوان از تلاقی خواسته و یا ناخواسته‌ی دو زمینه‌ی آنلاین و آفلاین می‌گویند که مرز میان این دو زمینه را سیال، مبهم و حتی ناپدید ساخته است. اگرچه روایت‌هایشان همواره به عاملیتی که در شبکه‌های اجتماعی از آن برخوردار هستند، اشاره دارد اما مدیریت همزمان عاملیت آنلاین و محدودیت‌های آفلاین نیز از دلمشغولی‌های اصلی آنان است. سپیده ۱۷ ساله می‌گوید: «من الان به خودم کاملاً مطمئنم که هیچی ندارم اما وقتی مامانم یکم عصبانیه یا سرسنگینه به خودم شک می‌کنم. میدونم و می‌گم که سپیده ببین تو الان هیچی نداری فقط ایتا داری که ایتا هم حوزه علمیه است اصلاً توانایی خلاف کردن نداری. ولی می‌گم نه شاید یه جایی از قبلا یه چیزی مونده. یه فشار روانی اینجوری هست همیشه». همچنین غزال ۱۶ ساله می‌گوید: «موقع ثبت‌نام مدرسه حواسم نبود شماره‌ای که باهاش تلگرام دارم رو دادم. سریع رفتم خونه و تنظیماتم رو تغییر دادم تا تلگرامم براشون بالا نیاد».

در واقع آن‌ها به همان میزان که راه‌های «کنترل‌پذیری» را کشف و ابداع می‌کند، راه‌های «رویت‌پذیری» را نیز می‌شناسند و غالباً تجربیات مشابهی در هر دو روی این سکه دارند. اضطراب رویت‌پذیری آنجا بغرنج‌تر می‌شود که نهادهای اقتدار در زمینه‌ی آفلاین همچون والدین و مدرسه به طور پیش‌بینی‌نشده‌ای، مخاطب ناخوانده‌ی اجرای آنلاین نوجوانان شوند. «لو رفتن» تعبیری است که دختران نوجوان در توصیف فروپاشی زمینه‌های آنلاین و آفلاین استفاده می‌کنند و فعالانه می‌کوشند تا در چنین موقعیتی قرار نگیرند.

مذاکره‌ عاملیت

آشنا بودن با شبکه‌های اجتماعی گوناگون، شیوه استفاده از آن‌ها و به روز بودن محتوایی حس برتری نسبت به والدین و مدرسه (دو نهاد اقتدار در آفلاین) را به همراه دارد. فناوری به مثابه‌ی منبع قدرت برای نوجوانان است (عرفان‌منش و صادقی فسایی، ۱۳۹۶: ۳۲) و آن‌ها با تکیه بر سرمایه دیجیتال خود می‌توانند به زندگی خود در زمینه‌ی آنلاین آنطور که می‌خواهند سامان دهند و با منابع قدرت آفلاین در این رابطه مذاکره کنند (استفاده از اصطلاح مذاکره برای نشان دادن توزیع قدرت در زمینه‌ی آنلاین میان عاملان است). این قدرت‌یابی در زمینه آنلاین به قدرت‌طلبی در زمینه‌ی آفلاین هم کشیده می‌شود چرا که حس افزودگی و عاملیت در زمینه‌ی آنلاین موجب می‌شود دختران نوجوان خواستار قدرت بیشتری در سایر زمینه‌های زندگی روزمره شوند. به عبارت دیگر «مذاکره‌ عاملیت» در زمینه آنلاین، به دلیل اقتدار بیشتر والدین و مدرسه در زمینه آفلاین به «مبارزه‌ عاملیت» می‌انجامد. راگندا و ریو (۲۰۲۰) نیز در کتاب خود با عنوان «سرمایه دیجیتال: دیدگاه بوردیویی به شکاف دیجیتال»، سرمایه دیجیتال را انباشت شایستگی‌های دیجیتال (اطلاعات، ارتباطات، ایمنی، ایجاد محتوا و حل مسئله) و فناوری دیجیتال تعریف می‌کنند. بدین ترتیب با بهره‌گیری از دیدگاه بوردیو، سرمایه دیجیتال حاصل توانایی‌ها یا نگرش‌های درونی و منابع بیرونی‌ای است که افراد می‌توانند برای دستیابی به اهداف خاص بسیج کنند، می‌تواند همچون سرمایه‌های آفلاین در طول سال‌ها انباشته شود و یا به سرمایه‌های دیگر تبدیل شود. آن‌ها با پیشنهاد مدلی دو چرخه‌ای، سرمایه دیجیتال را به عنوان یک سرمایه میانجی توضیح می‌دهند که نقش حیاتی در تبدیل سرمایه‌های آفلاین پیشین (اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی، سیاسی و شخصی) به فعالیت‌های دیجیتال و مجدداً در تبدیل این فعالیت‌ها به سرمایه‌های دیگر ایفا می‌کند (Ragnedda & Ruiu, 2020: 29-34).

۶. همیشه در ارتباط و در تمنای یک ارتباط اصیل و صمیمی

ارتباط کارکردی و تاییدکننده

دختران نوجوان از ارتباط به عنوان محوری‌ترین کارکرد شبکه‌های اجتماعی یاد می‌کنند. با این وجود چنین کارکردی به دلیل ظرفیت‌های کنترل‌پذیری شبکه‌های اجتماعی و نیاز نوجوان به تعلق به جمع، پذیرش و محبوبیت می‌تواند رویکردی کارکردگرایانه به خود بگیرد و یا در راستای تاییدکنندگی سامان یابد. همچنین آن‌ها می‌توانند میان ارتباط حضوری بدون واسطه و یا میانجی‌های مختلف ارتباطی همچون پیام، تماس، چت و یا مشاهده منفعلانه خود-بازنمایی‌های دوستان انتخاب کنند و ارتباط را در سطح دلخواه خود شکل دهند. با این وجود آن‌ها غالباً سطوح کنترل‌پذیرتر ارتباط را انتخاب می‌کنند.

ارتباط باورپذیر

ارتباط در بستر شبکه‌های اجتماعی تنها محدود به دوستان و آشنایان نیست، دختران نوجوان از دنبال کردن ناآشنایان، بلاگرها و سلبرتی‌ها نیز با عنوان ارتباط یاد می‌کنند چرا که شیوه خود-بازنمایی و اجرای آن‌ها یک صمیمیت نامتقابل را شکل می‌دهد و دختران نوجوان می‌توانند با دنبال کردن زندگی آن‌ها در بستر شبکه‌های اجتماعی سطحی از آشنایی را به دست بیاورند و تصور یک ارتباط نزدیک را داشته باشند.

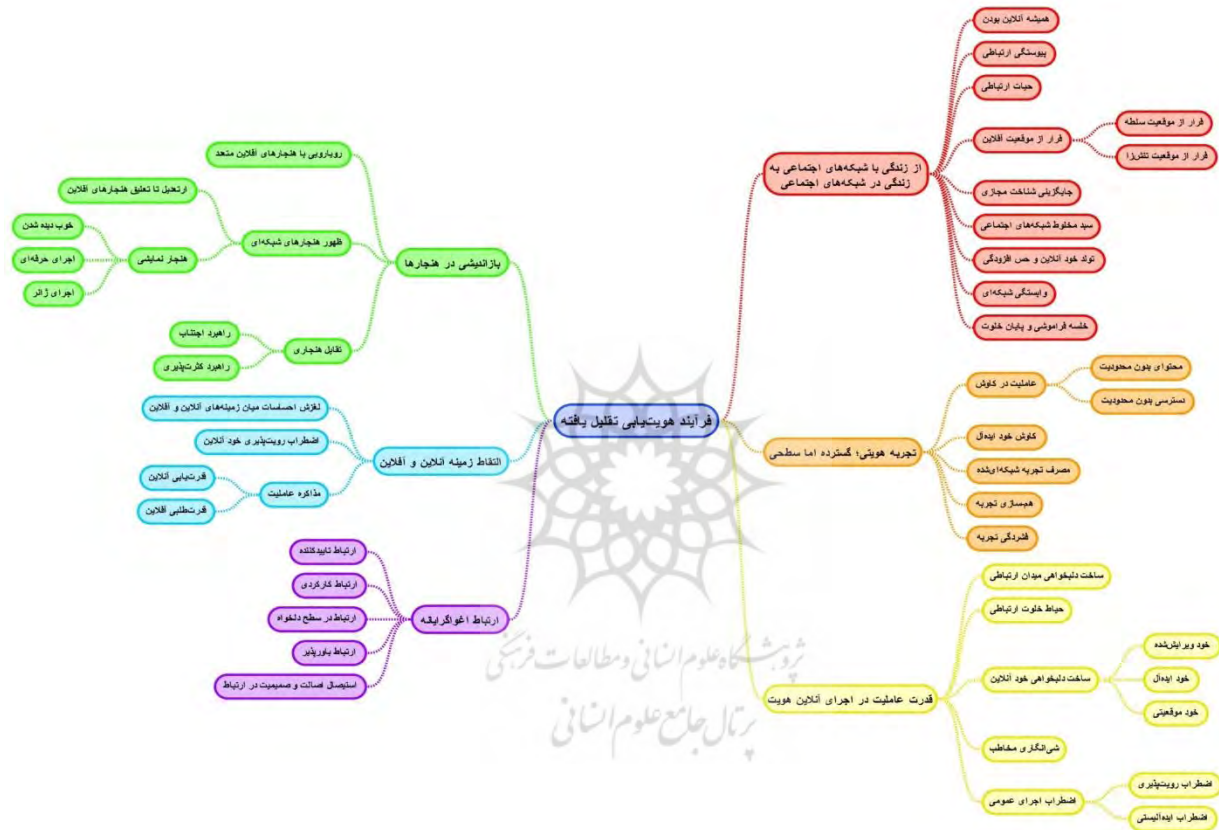
بحران اصالت و صمیمیت در ارتباط

دختران نوجوان با استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی به طور پیوسته در حال برقراری ارتباط با دوستان، آشنایان و یا ناآشنایان هستند. با این وجود آن‌ها کاستی‌های چنین ارتباطی را نیز درک می‌کنند. دغدغه اصالت و همپوشانی اجرای آنلاین و آفلاین شریک ارتباطی از دلمشغولی‌های اصلی آن‌هاست. همچنین آن‌ها در تمنای یک رابطه دوستانه‌ی صمیمی میان زمینه‌های آنلاین و آفلاین بلا تکلیف‌اند: از یک سو فقدان اصالت آنلاین آن‌ها را از صمیمیت آنلاین می‌ترساند (و همواره تجربه شکست‌های پیشین را به

خاطرشان می‌آورد) و از سوی دیگر به دلیل محدودیت‌های والدین و یا ترس از کنترل‌ناپذیری و پیش‌بینی‌ناپذیری زمینه آفلاین، فرصت یک رابطه طولانی مدت که همراه با پذیرش کاستی‌های طرفین باشد و در نهایت یک ارتباط صمیمی را به ارمغان بیاورد از خود سلب می‌کنند. پژوهش‌های متعددی به اثر شبکه‌های اجتماعی در بهبود ارتباط اجتماعی با همسالان و یا انزوای اجتماعی پرداخته‌اند که بر مبنای آن‌ها می‌توان میان استفاده فعال (ارتباط فعالانه با همسالان به صورت چت و ...) و استفاده منفعلانه (پیمایش پست‌های همسالان بدون تعامل واقعی) تفاوت قائل شد: در حالی که استفاده فعالانه به بهبود ارتباط می‌انجامد اما استفاده منفعل می‌تواند انزوای اجتماعی را در پی داشته باشد (Ehrenreich, 2022: 89-91). با این وجود بر مبنای یافته‌های حاصل از مصاحبه با دختران نوجوان در این پژوهش می‌توان به درآمیختگی مصرف فعالانه و منفعل آن‌ها و توسعه‌ی ارتباط در سطح که ناشی از ماهیت اغواگرانه‌ی ارتباط آنلاین است تاکید کرد و به طور توأمان ناکافی و کم عمق بودن چنین ارتباطاتی را برجسته نمود.

با توجه به توصیفی که از شش مضمون سازمان دهنده و سایر مضامین پایه در بالا اشاره شد، می‌توان الگوی هویت یابی نسل زد در شبکه‌های اجتماعی را به شکل ذیل (نمودار شماره ۲) ترسیم کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار شماره ۲- الگوی هویت یابی تکلیل یافته نسل زد در شبکه های اجتماعی

بحث و نتیجه گیری

روایت‌های دختران نوجوان از کاربری شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره‌شان همه‌ی عناصر یک فرآیند هویت‌یابی را در بر می‌گیرد اما یک تفاوت در این میان به چشم می‌خورد: ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی به نوجوانان قدرت و عاملیت بخشیده است و امکان کنترل تک تک این عناصر و در نتیجه کل فرآیند را فراهم می‌کند:

کاوش و تعهد: دختران نوجوان غرق در انواع مختلف محتوایی هستند که آزادانه از سراسر جهان در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود. آن‌ها در طی فرآیند هویت‌یابی خود به کاوش در محیط می‌پردازند اما برخلاف محدودیت‌های زمینه آفلاین، آن‌ها در زمینه‌ی شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های بی‌شماری برای انتخاب دارند. اما این فرصت‌های بی‌شمار آن‌ها را در یک اضطراب دائمی قرار داده است: اضطراب یافتن چیزی بهتر. در واقع آن‌ها چرخه‌ی کاوش و تعهد در فرآیند هویت‌سازی را به طور کامل نمی‌پیمایند. آن‌ها درگیر سرعت در شبکه‌های اجتماعی شده و در یک اضطراب دائمی به سرعت علائق، اهداف و ارزش‌های گوناگون را انتخاب و بدون تجربه کامل آن همراه با خودتاملی و گفتگوی بین‌فردی با شرکای روایی، آن‌ها را کنار گذاشته و سراغ انتخاب بعدی می‌رود. تجربه هویتی آن‌ها در زمینه‌ی آنلاین، یک تجربه گسترده ولی سطحی است.

اجرای هویتی: ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی در ویرایش و مدیریت نشانه‌های خود به دختران نوجوان امکان اجرای هویتی به گونه‌ای کنترل شده را می‌دهد و آن‌ها می‌توانند خود را به گونه‌ای بی‌نقص (در قیاسی که از خود در زمینه آفلاین دارند) در زمینه آنلاین بازسازند. اما اجرای هویتی در صحنه‌ی آنلاین لاجرم از قواعد نمایشی این صحنه پیروی می‌کند. در چنین شرایطی نوجوان نه تنها برای برآوردن نیاز ذاتی‌اش در این برهه‌ی زندگی به محبوبیت، دیده شدن و پذیرفته شدن اجرای خود را ویرایش می‌کند بلکه با در نظر گرفتن مخاطب خیالی صحنه‌ی آنلاین آن را به گونه‌ای نمایشی شده نیز بروز می‌دهد.

شرکای روایی: اجرای هویتی نوجوان که آمیخته‌ای از هنجارهای نمایشی و هنجارهای خودمبنا را در خود دارد، به گونه‌ای کنترل شده برای مخاطبی کنترل شده نمایش داده می‌شود. نگاه دختران نوجوان به مخاطب، نگاهی شی‌انگارانه است. با استفاده از امکانات

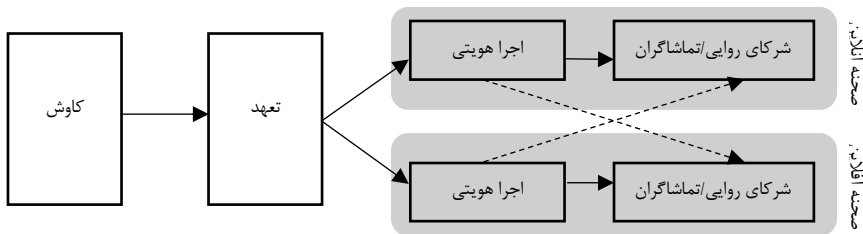
روزافزون حریم شخصی، آنگاه که بخواهند مخاطب را به عنوان یک شریک روایی فرامی‌خوانند تا چالش‌های خود را با او در میان بگذارند و در زمان دیگر مخاطب را در جایگاه یک تماشاچی به تایید اجرای هویتی خود وا می‌دارند. در واقع به میزانی که عاملیت بیشتری می‌یابند نگاهشان به دیگران نیز شی‌انگارانه‌تر می‌شود. بدین صورت کارکرد شریک روایی به عنوان کسی که انتخاب‌ها را به چالش می‌کشد و از این طریق فرد را به خودتاملی در چرایی انتخابش وا می‌دارد، حذف می‌شود. در نتیجه دختران نوجوان در زمینه‌ی آنلاین نه تنها به کنترل اجرای هویتی خود بلکه به کنترل مخاطب و حتی واکنش او نیز می‌پردازند.

فرآیند هویت‌یابی دختران نوجوان نسل زد: پیش از این، در یک زمینه‌ی آفلاین، انتظار می‌رفت نوجوان در طی فرآیند هویت‌یابی، آنچه را که ابتدا به صورت سطحی و گسترده جستجو کرده و در ادامه با خودارزیابی و کاوش عمیق، به جزئی از روایت منسجم خود تبدیل کرده است با شرکای روایی‌اش به اشتراک بگذارد. در این دیدگاه هویت حاصل نگاه به خود و گفتگوی بین فردی برای دست یافتن به اعتبار است.

اما دختر نوجوان نسل زد با عاملیتی که به واسطه‌ی ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده است هر موقعیت بغرنج یا نامطلوبی را کنترل کرده و یا از آن اجتناب می‌کند. در واقع او با ساده‌سازی موقعیت‌های مختلف، فرآیند هویت‌یابی را به مرتبه‌ای پایین‌تر تقلیل می‌دهد. به بیان اریکسونی او مهلت قانونی روانشناختی خود را برای دست یافتن به مرتبه‌ای از انسجام هویتی نادیده می‌گیرد و بدون متعهد شدن به بی‌شمار ارزش‌ها و هنجارهای جستجو شده، وضعیت هویتی خود را در حال تعلیق باقی می‌گذارد.

کنترل‌پذیری بسیار زمینه‌ی آنلاین آن‌ها را از قرار گرفتن در موقعیت‌های پیش‌بینی‌ناپذیر مضطرب می‌سازد به همین دلیل آن‌ها یک تماس تلفنی یا قرار حضوری را با یک گفتگوی آنلاین عوض می‌کنند. هر چه دختران نوجوان به کنترل بیشتر اجرای هویتی و موقعیت خود می‌پردازند، ترس بیشتری از رویت‌پذیری نا به هنگام آن دارند چرا که امکان فروپاشی زمینه‌های آنلاین-آفلاین و خصوصی-عمومی همواره وجود دارد. بدین ترتیب نوجوان امروز بیش از آنچه گافمن در نظریه‌ی خود توصیف کرده بود، درگیر مدیریت تاثیر و مدیریت رویت‌پذیری ناخواسته است.

با توجه به آنچه در رابطه با نمونه‌های این پژوهش گفته شد، می‌توان فرآیند هویت‌یابی دختران نوجوان را با تغییراتی در مدل اولیه به شکل ذیل (نمودار شماره ۳) به تصویر کشید:



نمودار شماره ۳- مدل فرآیند هویت‌یابی دختران نوجوان نسل زد: فرآیند هویت‌یابی
تقلیل یافته

همچنین این پژوهش روشن می‌کند که دختران نوجوان مشارکت‌کننده در این مطالعه، با برخی از چالش‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که همتایانشان در دیگر نقاط جهان با اندک فاصله‌ای زودتر با آن مواجه شده بودند مثل فروپاشی زمینه‌ها و همگان‌های شبکه‌ای به جای یک زمینه و یک مخاطب به خصوص (Boyd, 2008) و یا هنجارهای شبکه‌ای و فشار اجتماعی برای بی‌نقص بودن (ترکل، ۱۳۹۸). با این وجود به دلیل برخی از ویژگی‌های خاص زمینه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش همچون محدودیت‌های بیشتر، استقلال کمتر و یا تفاوت هنجاری بیشتر در زمینه‌ی آفلاین، چنین چالش‌هایی با ضریب بیشتری آشکار می‌شوند. علاوه بر این با توجه به استفاده روزافزون نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی و در واقع زیست روزمره در این شبکه‌ها، احتمال بروز برخی از چالش‌های دیگر نسل زد در جهان نیز دور از انتظار نیست. به عنوان مثال نشانه‌هایی از سلب هویت زود هنگام در میان نمونه‌های این پژوهش دیده می‌شود.

در حالی که برخی از نوجوانان در تلاش برای کشف خود هستند، دوستان و همسالانشان به خود-بازنمایی‌های زندگی روزمره در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازند. آن‌ها با استفاده از شبکه‌های اجتماعی دیگران را می‌بینند که مسیر مشخصی را بدون فکر کردن به موقعیت‌های بفرنج یا جایگزین طی می‌کنند در حالی که آن‌ها درگیر چالش‌های خود-ارزیابی متعددی

هستند. بنابراین رفته رفته آن‌ها تصمیم می‌گیرند تسلیم «هر چه پیش بیاید» شوند: یک برنامه‌ی عام شبکه‌ای شده.

گاردنر و داویس (۲۰۱۳) این پدیده را سلب هویت زود هنگام در عصر اپلیکیشن‌ها با فشار فراگیر معاصر برای ارائه یک خود صیقلی و بسته بندی شده به صورت آنلاین توصیف کردند. در نتیجه آن دسته از نوجوانانی که هویت خود را مشخص نکرده‌اند- یعنی بازنمایی واضح و روشنی از آن به عنوان یک برنامه مشخص ندارند- احساس فقدان یا کمبود کنند. چنین سلب هویت زود هنگامی، مهلت قانونی روانی-اجتماعی را که اریکسون آن را به عنوان یکی از اجزای مهم فرآیند توسعه هویت توصیف کرده بود، دور می‌زند.

منابع

- بوید، دانا (۱۴۰۱). شبکه‌گردی نوجوانان. ترجمه مارینا فرهودی‌زاده. تهران: علمی فرهنگی.
- ترکل، شری (۱۳۹۸). تنها در کنار هم: چرا ما از فناوری بیشتر و از یکدیگر کمتر انتظار داریم. ترجمه محمد معماریان. تهران: سوره‌مهر.
- سلگی، محمد (۱۴۰۰). کودکان و اینترنت در ایران (فرصت‌ها و تهدیدها). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- عرفان منش، ایمان، صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۹۷). واکاوی مختصات تلفیق عاملیت نوجوانان و فناوری با توجه به خانگی شدن. ICTS مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۳)، ۱۴۵-۱۸۰.
- فلیک، اوه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۷). نسل‌های ایکس، وای و زد و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران. راهبرد فرهنگ، ۱(۳)، ۸۴-۶۵.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۸). نمود خود در زندگی روزمره. ترجمه مسعود کیانیپور. تهران: نشر مرکز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). شناخت فعالیت‌ها و رفتار فرهنگی خانوارها. دریافت شده از <https://digiato.com/wp-content/uploads/2021/09/shabakeha.pdf>
- منتظرانم، مهدی و فغانی، زهره (۱۳۸۷). نسل‌های رسانه‌ای (انقلاب ارتباطات و تحول نسلی؛ مروری بر ویژگی‌های نسل‌های X، Y و M). خردنامه همشهری، ۲۵(۱)، ۳۸-۴۱.
- مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۹۵). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: نشر همشهری.

- Boyd, D. (2008). Why Youth love Social Network Sites: The Role of Networked Publics in Teenage Social Life In D. Buckingham (Ed.), Youth, identity, and digital media (pp. 119-143). Cambridge: MIT Press
- Boyd, Dana (1401). Networking of teenagers. Translated by Marina Farhoudizadeh. Tehran: Scientific and Cultural. (In Persian)
- Bright, L. F., Kleiser, S. B., & Grau, S. L. (2015). Too much Facebook? An exploratory examination of social media fatigue. *Computers in Human Behavior*, 44, 148-155.
- Damour, L. (2016). *Untangled: Guiding teenage girls through the seven transitions into adulthood*. New York, NY: Ballantine Books.
- Davis, J (2014). Triangulating the Self: Identity Processes in a Connected Era. *Symbolic Interaction*, vol. 37, no. 4, pp. 500-523pp.
- Davis, K., & Weinstein, E. (2017). Identity Development in the Digital Age: An Eriksonian Perspective. *Information Systems: Behavioral & Social Methods eJournal*.
- Ehrenreich, S. E. (2022). Peer Relationship Processes in the Context of Digital Media. In J. Nesi, E. Telzer, & M. Prinstein (Eds.), *Handbook of Adolescent Digital Media Use and Mental Health* (pp. 85-102). Cambridge: Cambridge University Press.
- Flick, Oh (2008). *An introduction to qualitative research* translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Gardner, H., & Davis, K. (2013). Introduction. In *The App Generation: How Today's Youth Navigate Identity, Intimacy, and Imagination in a Digital World*
- Goffman, Irving (2008). *Self-expression in everyday life*. Translated by Masoud Kianpour. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Iran Statistics Center (2019). Knowing the activities and cultural behavior of families. Retrieved from <https://digiato.com/wp-content/uploads/2021/09/shabakeha.pdf> (In Persian)
- Irfan Menesh, Iman, Sadeghi Fasai, Soheila. (2017). Analyzing the coordinates of the integration of adolescent agency and technology with regard to the domestication of ICTS. *New Media Studies*, 4(13), 145-180. (In Persian)
- Kothari, Masoud (2008). Generations X, Y and Z and cultural politics in Iran. *Culture Strategy*, 1(3), 65-84. (In Persian)
- Mahdizadeh, Seyyed Mohammad, (2015); *Media Theories: Common Thoughts and Critical Perspectives*, Tehran: Hamshahri Publishing. (In Persian)
- Montazer Qaim, Mehdi and Faghani, Zohra (2007). Media generations (communication revolution and generational transformation; overview of the characteristics of generations X, Y and M). *Hamshahri Guide*, 25 (1), 38-41 (In Persian)
- Pew Research Center (2018). *Teens, social media & Technology*.
<http://www.pewinternet.org/2018/05/31/teens-social-media-technology-2018/>
- Pew Research Center (2018). *Teens, social media & Technology*.
<http://www.pewinternet.org/2018/05/31/teens-social-media-technology-2018/>

- Prensky, M. (2010). Digital natives, digital immigrants part 1. On the horizon 9(5), 1-6.
- Qin, Y., & Lowe, J. (2021). Is your online identity different from your offline identity? – A study on the college students' online identities in China. Culture & Psychology, 27(1), 67–95.
- Ragnedda, M., Ruiu, M.L. (2020). Digital Capital: A Bourdieusian Perspective on the Digital Divide. Emerald Publishing Limited
- Sameroff, A. (2009). The transactional model. In A. Sameroff (Ed.), The transactional model of child development: How children and contexts shape each other (pp. 3–22). American Psychological Association.
- Selgi, Muhammad (1400). Children and Internet in Iran (Opportunities and Threats). Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Subrahmanyam, K., & Michikyan, M. (2022). Methodological and Conceptual Issues in Digital Media Research. In J. Nesi, E. Telzer, & M. Prinstein (Eds.), Handbook of Adolescent Digital Media Use and Mental Health (pp. 9-39). Cambridge: Cambridge University Press.
- Subrahmanyam, K., & Šmahel, D. (2011). Digital Youth: The Role of Media in Development. New York: Springer.
- Turkel, Sherry (2018). Alone together: Why we expect more from technology and less from each other. Translated by Mohammad Memarian. Tehran: Sureh Mehr. (In Persian)
- Twenge, J.M. (2017). iGen: Why Today's Super-Connected Kids Are Growing Up Less Rebellious, More Tolerant, Less Happy--and Completely Unprepared for Adulthood--and What That Means for the Rest of Us. Atria Books.
- Valkenburg, P. (2022). Theoretical Foundations of Social Media Uses and Effects. In J. Nesi, E. Telzer, & M. Prinstein (Eds.), Handbook of Adolescent Digital Media Use and Mental Health (pp. 39-60). Cambridge: Cambridge University Press.
- Walsh J. (2018). Adolescents and their social media narratives: A digital coming of age. Routledge.